

بررسی تصویر «بهرام گور» در
هنر ایران از دوره ساسانی تا پایان
دوره قاجار



بهرام گور آزاد، بهرام در حال شکار
گوزن، سینی نقره‌ای طلاکاری شده،
سده پنجم یا ششم میلادی، ماخذ:
موزه متروپولیتن نیویورک



بررسی تصویر «بهرام گور» در هنر ایران از دوره ساسانی تا پایان دوره قاجار*

مجید بهدانی** * دکتر حسین مهرپویا***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۳۱

چکیده

بهرام یکی از مهم‌ترین ایزدان زرتشتی است که در اسطوره‌شناسی به عنوان فرشته پیروزی و نصرت از وی یاد می‌شود. نام او در اوستا به صورت ورثرغن آمده و تحول یافته و اثره ورترن یا کشنده اژدها است. بهرام همچنین نام یکی از شاهان خوشنام و عدالت‌گستر ساسانی است که در تاریخ به بهرام‌گور هم مشهور است. داستان‌های زیبا و شگفت‌انگیز بهرام‌گور در شاهنامه و هفت‌پیکر مورد علاقه هنرمندان واقع شده به گونه‌ای که در بسیاری از آثار هنری ایران شاهد نقش و نگار آن‌ها هستیم. در هر دوره‌ای تصویرسازی داستان‌های بهرام‌گور متناسب با ویژگی‌های آن مقطع دچار تغییراتی شده است که با بررسی پوشاک، تاج و فیگور بهرام این تغییرات قابل مشاهده می‌باشد. در این آثار سیر تحول هنر ایران و نیز دگرگونی روحیات و سلیقه‌های هنرمندان دیده می‌شود. در این پژوهش آثار تصویری مربوط به بهرام‌گور مورد مطالعه قرار گرفته و موضوعات و ویژگی‌های این آثار بررسی و مقایسه شده است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات هم به روش کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

بهرام گور، اسطوره، نماد، شاهنامه، هفت پیکر، هنر ایران، نگارگری.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با نام «بررسی نگاره‌های نبرد بهرام‌گور با اژدها در نگارگری ایران از سده هشتم تا دوازدهم هجری قمری» در دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

** کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان، شهر زاهدان، استان سیستان و بلوچستان

Email: behdani59@yahoo.com

** استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، شهر زاهدان، استان سیستان و بلوچستان

Email: hm_Pouya@yahoo.com

مقدمه

از میان پادشاهان افسانه‌ای و تاریخی که فردوسی در شاهنامه خود از آنان یاد کرده، پیداست که او به دو تن از آنان علاقه خاصی داشته و داستان زندگی آن‌ها بیش‌تر مورد توجه او بوده است، خسرو به عنوان یک پادشاه حماسی و بهرام همچون یک پادشاه تاریخی. داستان بهرام‌گور در بخش تاریخی شاهنامه قرار دارد و ابیات بسیاری را به خود اختصاص داده است که نشان از علاقه فردوسی به شخصیت او دارد. بسیاری از داستان‌های بهرام‌گور، شنیدنی است و توجه خاص فردوسی به او از آن روی است که بهرام پادشاهی شجاع، با تدبیر، دادگر و مردم دوست بوده و نسبت به دیگر شاهان ساسانی توجه ویژه‌ای به مردم داشته است. بهرام‌گور، قهرمان اصلی هفت پیکر نظامی هم است. نظامی در سرودن هفت پیکر سعی داشته چیزهایی را که پیش از او فردوسی گفته، بازگو نکند. تصویر بهرام در شاهنامه و هفت پیکر تفاوت اساسی با هم دارد و برداشت دو شاعر از زندگی بهرام نیز متفاوت می‌باشد. فردوسی به زندگی بهرام از جنبه سلحشوری و پهلوانی و حماسی می‌نگرد اما نظامی اثری هنری خلق کرده است که راز و رمز زیستن و عاشقانه زیستن را آموزش می‌دهد. هدف پژوهش پیش رو پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد:

۱- چه موضوعات و ویژگی‌های مربوط به بهرام، بیش‌تر مورد توجه هنرمندان واقع شده است؟ ۲- آیا در تصویرسازی داستان‌های بهرام‌گور در دوره‌های مختلف، شباهتی وجود دارد؟

روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است که با توجه به تعداد قابل تأمل آثار تصویری بهرام‌گور، نمونه‌های مناسب انتخاب و مقایسه آن‌ها از جنبه شکل ظاهری صورت پذیرفته است. پایه و اساس این پژوهش بر مبنای داستان بهرام‌گور در شاهنامه و خمسه است. محققان در مورد بهرام‌گور بسیار نوشته‌اند که در این میان می‌توان به کتاب «تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی» اشاره نمود و مقاله‌هایی مانند: «گور بهرام‌گور» از محمدجعفر محجوب که در سال ۱۳۶۲ در ایران نامه به چاپ رسیده و نیز مقاله «بررسی تطبیقی شخصیت بهرام در شاهنامه و هفت پیکر» که در بخش منابع و ماخذ این مقاله به آن اشاره شده است. اما تاکنون پژوهشی به طور مستقیم موضوع بهرام‌گور در آثار تصویری را مورد مطالعه و بررسی قرار نداده است. آنچه در این مقاله مورد توجه بوده تحلیل و بررسی چند نمونه از آثار تصویری مربوط به بهرام‌گور است که به بیان ویژگی‌های محتوایی و ساختاری آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بهرام در اسطوره

«واژه بهرام در اوستا به صورت ورثرغن^۱، در پهلوی وهران، در ادبیات مزدیسنا، وهرام، و در بُندهِش^۲ به شکل واهرام آمده است و معنی آن در پارسی فتح و پیروزی است.



تصویر ۱- بهرام‌گور و آژده بهرام در حال شکار گوزن، سینی نقره‌ای طلاکاری شده، سده پنجم یا ششم میلادی، ماخذ: موزه متروپولیتن نیویورک

این نام، اصلاً تحول یافته واژه ورترهن^۳ (کشنده ورتره) و لقب دو تن از ایزدان بزرگ است: یکی ایندرا^۴، که خود ذاتا بزرگ‌ترین دشمن ورتره^۵ (اژدهای خشکی) به حساب می‌آید و دیگری بهرام، که نام او اساساً تحول یافته همین صفت است.» (یاحقی، ۱۳۶۹، ۳۳-۱۳۲)

در اسطوره‌شناسی ایران، بهرام بر هر گونه بدی پیروز می‌شود. او فرشته پیروزی، فتح و نصرت و زاده آتش است. آتش بهرام یا آتشکده بهرام یکی از هفت آتشکده ایران در زمان ساسانیان است. «در زمان پادشاهان ساسانی، آتش اصلی امپراتوری، آتشی که هرگز خاموش نمی‌شد، آتشی که همه مشعل‌های مقدس دیگر را با آن شعله‌ور می‌ساختند، آتش بهرام، آتش پیروز، نام گرفت.» (بری، ۱۳۸۵، ۹۲)

بهرام یکی از مهم‌ترین ایزدان زرتشتی است که به بهترین سلاح مسلح است. او ایزدی است که به شکل تندباد، گاو نر، اسب سفید، شتر بارکش، گراز و جوانی در سن آرمانی (پانزده ساله)، پرنده و دیگر موجودات درمی‌آید و رترغن یا بهرام بر خلاف همانند هندی خود، ایندرا، اسطوره‌ای است که در آن سخن از غلبه او بر غول یا اژدها است. «بهرام بر بدکنشی آدمیان و دیوان، غالب و نادرستان و بدکاران را گرفتار کيفر می‌سازد. در توانمندی، او نیرومندترین، در پیروزی، پیروزمندترین و در شکوه و فره او باشکوه‌ترین است. اگر او را به درستی قربانی دهند، قربانی دهنده را در زندگی و نبرد، پیروزی می‌بخشد. اگر به درستی نیایش شود، سپاه دشمن و طاعون و بیماری را یارای وارد شدن به سرزمین‌های آریایی نیست؛ بدین سان بهرام نماینده نیروی مقاومت‌ناپذیر و در اصل بهرام خدای جنگ و یا خدایی جنگجو است.» (هینلز، ۱۳۸۵، ۸۳)

واژه بهرام در برهان قاطع به معانی دیگری نیز آمده است. او فرشته‌ای است که از مردم مسافر محافظت می‌کند.

1-Verethraghen

۲- نام یکی از کتاب‌های دینی زرتشتی که حاوی اساطیر مربوط به خلقت جهان می‌باشد.

3-Vritrahen

۴- Indra یکی از خدایان برجسته هندو است که خدای طبقه جنگاوران بوده است. (قلی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۱۳)

۵- Vritra، اژدهایی است که دشمن خدایان محسوب می‌شود. (همان، ۴۲۵)



یزدگرد یکم ... در آغاز سال هشتم پادشاهی یزدگرد، یکم در هرمز روز (نام نخستین روز از هر ماه ایرانی) از فروردین ماه دیده به جهان گشود و یزدگرد نامش را بهرام نهاد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ۱۶۵) ستاره‌شناسان پیش‌بینی کردند که او شاهی دلیر و توانا خواهد شد. یزدگرد پادشاهی است بدکار و دانیان و بزرگان کشور از ترس این که او نیز همچون پدر بدی را پیشه کند از یزدگرد خواستند تا فرزند را به خردمندان بسپارد و یزدگرد نیز موافقت نمود. شگفت آن که این روایت به گونه‌ای بسیار متفاوت در کتاب‌های دیگر هم آورده شده است.

بلعمی چنین نقل می‌کند: «یزدگرد ائیم^۲ هر فرزندی که او را بیامدی بمردی، ... باز به آخر او را پسری آمد که پس از او ملک بود و او را بهرام نام کردند و تدبیر کرد که این را از شهر عجم به شهر دیگر باید فرستادن ... و کس فرستاد و ملک عرب را بخواند از حیره و بادیه، ... نعمان بهرام را بستند و به حیره برد». (بلعمی، ۱۳۸۵، ۴۳-۶۴۲) نعمان برای بهرام دو قصر بسیار زیبا به نام‌های سدیر و خورنق بنا می‌کند. وصف این کاخ‌ها به ویژه خورنق بسیار شگفت است. نظامی در هفت پیکر مفصل به آن پرداخته است. بهرام در آن جار شد کرده و در شجاعت نمونه و مثال می‌شود. او در تیراندازی و شکار مهارت زیادی کسب می‌کند و یگانه روزگار می‌گردد. فارسی، عربی و یونانی را نزد خردمندان می‌آموزد.

پس از مرگ یزدگرد، بزرگان کشور که نخواستند پسرش بهرام را به جای او قرار دهند هم پیمان شدند که شخصی دیگر را به پادشاهی انتخاب کنند. آنان گفتند: «یزدگرد فرزندی که سزاوار پادشاهی باشد به جای گذاشته است به جز بهرام، اما بهرام تاکنون بر سر ولایتی نبوده است تا شناخته شود، وانگهی او به آیین ایرانیان پرورش نیافته و فرهنگ او فرهنگ عربی است و خوی او مانند خوی ایشان است زیرا در میان ایشان بزرگ شده است. پس همه ایشان و مردم هم‌داستان شدند که پادشاهی را از بهرام بگردانند و به مردی بدهند که از نژاد اردشیر پسر بابک بود و خسرو نام داشت. پس بی‌درنگ او را پادشاه کردند. (نولدکه، ۱۳۷۸، ۱۲۳)

بهرام توانست با همکاری منذر^۴ تاج و تخت را تصاحب کند. منذر امیر حیره که آموزگار بهرام بود، او را یاری کرد، و سپاهی مجهز به پشتیبانی از بهرام روانه نمود. سپاه به سوی تیسفون حرکت کرد و بزرگان کشور هراسان شدند، با منذر و بهرام به مشورت پرداختند. سرانجام بر آن شدند که تاج شاهی را میان دو شیر نهاده و از خسرو و بهرام هر کدام تاج را برداشتند، پادشاهی از آن او باشد. بهرام برخاست و با گریزی هر دو شیر را کشت و تاج و زیور را از آن خود ساخت.

به گفته تاریخ‌نگاران، بهرام شاهی دلیر و رعیت‌پرور بود و نویسندگان زرتشتی، دوران او را سرشار از آرامش و آشتی می‌دانند. وی همیشه حامی کشاورزان و قشر تهی دست ایران بود. بهرام گور بر خلاف پدرش یزدگرد اول که



تصویر ۲- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار گوزن، سینی نقره‌ای طلاکاری شده، ماخذ: محمدپناه، ۱۳۸۶، ۱۹۱

همچنین نام سیاره‌ای است که آن را مریخ می‌نامند و نیز نام روز بیستم از هر ماه شمسی می‌باشد. زرتشتیان روز بیستم هر ماه را جشن می‌گیرند و به نیایشگاه آتش بهرام می‌روند و معتقدند که نگهبانی آن به ایزد بهرام سپرده شده است.

بهرام در تاریخ

بهرام (۴۴۰-۴۲۰م) همچنین نام یکی از پادشاهان مشهور دوره ساسانی است. او فرزند یزدگرد اول (۴۲۰-۳۹۹م) می‌باشد که در خوشنامی و نیک‌خواهی شهره دوران بوده است. در بسیاری از منابع اسلامی همچون تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و حتی در متن‌های پهلوی از او به بهرام گور یاد می‌کنند.

محمد عوفی در جوامع الحکایات علت نام گذاری او به بهرام‌گور را این چنین شرح می‌دهد: «روزی با نعمان منذر^۱ به شکار رفته بود. شیری را دیدند در راه که با گوری فرو شده بود^۲ و می‌خواست گور را بکشد. چون چشم بهرام بر وی افتاد تیری بگشاد، چنان که از پشت شیر در رفت و از شکم گور بیرون آمد و در زمین سخت شد و هم شیر و هم گور هر دو بیافتادند و بمردند. نعمان چون آن زخم تیر بدید بر دست و بازوی وی آفرین کرد و بر آن ساعد مساعد ثنای بسیار گفت». (عوفی، ۱۳۷۲، ۶-۶۵) و نیز در تاریخ بلعمی آمده است که: «بهرام تیر از کمان بگشاد و بر پشت شیر زد، از شکم بیرون آورد و به پشت خرگوراند شد و به شکم او بیرون آمد و تیر به زمین اندر شد تا نیمه و یک ساعت همی لرزید و گور و شیر هر دو بیفتادند و بمردند... و آن روز او را بهرام‌گور نام کردند». (بلعمی، ۱۳۶۸، ۳۰-۱۲۹) «او را بهرام‌گور می‌گفتند به سبب آن که پیوسته شکار گور خر کردی». (خلف تبریزی، ۱۳۵۷، ۲۲۴)

زندگی بهرام از تولد تا مرگ، فراز و نشیب‌ها و جزئیاتی دارد که در طول سال‌ها رنگ افسانه به خود گرفته است. بیان مختصری از زندگی او در این جا ضروری است. «بهرام پسر

۱- از ملوک حیره که از طرف یزدگرد اول به پادشاهی رسید و بهرام‌گور را به دستور پدرش (یزدگرد اول) در حیره تربیت کرد. (معین، ۱۳۸۵، ۲۱۳۵)
۲- یعنی در آویخته بود.
۳- گناهکار
۴- پسر نعمان که پس از او حاکم حیره شد.



در تاریخ به عنوان انسانی بدکار و بدنام معروف بود، به خوشنامی، عدالت‌گستری و مردم‌داری مشهور است. یکی از دوره‌های خوش تاریخ ایران مربوط به پادشاهی بهرام گور است. بعد از او شرایط تغییر کرد و دیگر خبری از رفاه، عدالت و ... نبود لذا دوره او بیش‌تر در یاد مردم باقی‌مانده است.

بهرام در شاهنامه و هفت پیکر

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، تصویر بهرام در این دو اثر باهم تفاوت اساسی دارد. فردوسی در بیان داستان‌های بهرام به روایت‌های تاریخی توجه بیشتری داشته اما نظامی پای‌بند به روایات تاریخی نبوده و آن‌گونه که خود خواسته، دخل و تصرف نموده است. (غلامی نژاد، ۱۳۸۶، ۱۲۱) در این جا تفاوت‌های دو داستان مشهور بهرام گور به اختصار بیان می‌شود.

داستان شکار آهوی بهرام گور از جمله معروف‌ترین داستان‌های بهرام است که در دوره‌های مختلف تصویر شده است. این داستان که شرح آن در صفحه‌های بعد خواهد آمد هم در شاهنامه و هم در هفت پیکر بیان شده است. کنیز بهرام در شاهنامه، آزاده نام دارد اما در هفت پیکر فتنه‌نامیده می‌شود. پایان این داستان هم در این دو اثر متفاوت است. در شاهنامه، بهرام بعد از این که آزاده او را دیوانه صفت خواند، خشمگین شده و او را از بالای شتر به زمین افکند و زیر پای شتر هلاک نمود. (جدول ۱)

بزد دست بهرام و او را ز زمین
نگونسار برزد بر وی زمین
هیون از بر ماه چهره براند
برودست و چنگش بخون درفشاند

(فردوسی، ۱۳۸۷، ۳۸۸)
اما در هفت پیکر زمانی که فتنه هنرنمایی بهرام را نتیجه تمرین زیاد دانست، بهرام خشمگین شد و او را به سرهنگ دربار سپرد تا بکشد اما فتنه کشته نشد، بلکه در قصر سرهنگ، هر روز گوساله‌ای را بر گردن می‌گرفت و چندین پله بالا می‌برد. روزی هنگام شکار، بهرام به قصر سرهنگ می‌رود. او در قصر زنی را می‌بیند که با چهره‌ای پوشیده گاوی را بر دوش گرفته و به بام می‌برد. بهرام فریاد می‌زند که این کار در اثر زورمندی نیست بلکه در اثر تعلیم و تکرار است. درست شبیه پاسخی که فتنه در هنگام هنرنمایی بهرام به او داده بود. فتنه بر او اعتراض کرد:

گفت: بر شه غرامتی است عظیم

گاو تعلیم و گور بی‌تعلیم؟
(نظامی، ۱۳۷۷، ۱۴۹)

شاه او را می‌شناسد و از او عذر خواهی می‌کند.
اژدهاکشی بهرام نیز از داستان‌های معروفی است که در شاهنامه و هفت پیکر با تفاوت‌هایی بیان شده است. بهرام در شاهنامه دو بار به مصاف با اژدها رفته و او را از پا درآورده است. اما در هفت پیکر، او یک‌بار و آن هم زمانی که در تعقیب

تصویر ۳- زوج شاهانه ساسانی، سینی کنده‌کاری شده، سده ششم میلادی، مآخذ: بری، ۱۳۸۵، ۱۶۴

گورخری بود به مصاف با اژدها پرداخت. اژدهای شاهنامه جوانی را بلعیده بود که بهرام او را از شکم اژدها درآورد. فرود آمد و خنجری برکشید

سراسر بر اژدها بر درید
یکی مرد برنا فرو برده بود

به خون و به زهر اندر افسرده بود
(فردوسی، ۱۳۸۷، ۴۰۸)

اما در هفت پیکر اژدها، بچه‌گوری را خورده بود که بهرام شکم او را شکافت و بچه‌گور را نجات داد.

از دمش بر شکافت تا به دمش

بچه‌گور یافت در شکمش
(نظامی، ۱۳۷۷، ۱۱۲)

نمادشناسی بهرام

بهرام گور پادشاهی است که در تاریخ با اسطوره پیوند خورده است و خلق اسطوره و افسانه فراوان درباره او حکایت از اهمیت بهرام در نزد ایرانیان دارد. «زردشت در خواب درختی با هفت شاخه می‌بیند. در تعبیر پنجمین شاخه که مسین است اورمزد گفت آن پادشاهی بهرام گور دهبدان ۲ دهدد و شاهنشاه است که به مینویی و اعجاز اندر جان روشنی بکرد و نور پدید آورد چنان که از او اهریمن و دیوان و دروجان ۳ درون دوزخ افتند و مایه بی‌توانی آن‌ها بشود.» (قلی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۳۸)

«این شیریله، همچنین فرزانه‌ای اندیشمند، پادشاهی دوراندیش، میگزساری قهار و قهرمانی جهانی است که تاریخ نویسان و سراینده‌گان این نیمه نخستین هزاره ... او را صاحب هزاران کشف و اختراع و استعداد و ویژگی قومی محض کرده‌اند.

به این ترتیب، ما شاهد تبلور کم و بیش آگاهانه توانایی‌ها و پارسایی‌های بی‌شمار در وجود شخصیتی تاریخی هستیم

دنیای ناشناخته درون». (یاوری، ۱۳۷۴، ۳۲-۱۳۱) در دهانه این غار، اژدهایی نشسته است که بهرام برای ورود به غار، یعنی برای شناخت دنیای تاریک درون، راهی جز درگیری با اژدها ندارد. آگاهی، رهایی و آزادی او در بند این اژدهاست. «بهرام در این راه ناشناخته، بی‌راه شناس آگاه گام نمی‌گذارد. چراغی را که گورخر در تاریکی غار بر افروخته است، می‌بیند. ندای او را می‌شنود، اژدها را می‌کشد، بچه گور را، که نماد زندگی دوباره است، از دل اژدها بیرون می‌کشد و خود به جهان روشنایی باز می‌گردد. نشان آزادی و رهایی بهرام، گنجی است که در دل آن غار پنهان است و بهرام به یاری گورخر بدان دست می‌یابد». (همان، ۱۳۳)

او با کشتن اژدها و دادخواهی گور، به گنجی دست می‌یابد. در پایان منظومه هفت پیکر نیز بهرام در تعقیب گوری به درون غار می‌رود و این بار به گنجی بهتر دست می‌یابد و آن گنج جاودانگی است. از غار دودی برمی‌خیزد و او ناپدید می‌شود. نظامی می‌گوید کسی که جایگاهش در آسمان است، نمی‌توان او را در زمین یافت. جسم خاکی در زمین است ولی روح، آسمانی و متعلق به عالم بالاست.

بهرام برای رسیدن به تاج پادشاهی می‌بایست با دو شیر گرسنه رودرو شود. رویارویی بهرام با دو شیر، یک مضمون اسطوره‌ای ایرانی است که قدمت طولانی دارد. بهرام شیرها را با دست خالی از پای در نمی‌آورد، بلکه با گرز گاو سر و گرز خدا وره‌ثرغنه، می‌کشد. «این دو شیر که همچون دو اژدهای آرم‌گونه در دو سوی تاج با هم روبه‌رو می‌شوند، از این گوهر شاهانه پاسداری می‌کنند. دو جانور، نشانه‌های دو فرومایگی خشم و آز هستند. هر فرمانروایی که بر خود و جهان سلطه دارد ... باید بر این فرومایگی‌ها پیروز شود». (بری، ۱۳۸۵، ۱۱۹) «تاج میان دو شیر عبارت است از گوهر سرشت خود قهرمان، که گویی میان دو آرواره‌ی دهان بزرگ یک اژدها، بلعنده گنج درونی نفس، قرار گرفته است و باید آن را رها کنید». (همان، ۱۱۹)

او در صورتی که بر شیر - اژدها غلبه کند، تاج نصیبش می‌شود و گنجش - مروارید، گوهر نفسش - را باز می‌ستاند و در این صورت همه او را به شاهی می‌شناسند. از جمله داستان‌های مشهور بهرام، حضور او در قصر هفت گنبد است که نظامی به زیبایی تمام آن را توصیف می‌کند. (تصویر ۱۹) داستان بهرام در هفت گنبد سرشار از جنبه‌های رمزی است. این هفت گنبد نمادی از هفت اقلیم و هفت فلک است و سیر بهرام در این هفت گنبد مفهومی نمادین دارد.

بهرام در هفت گنبد با وجود طالع سعد و دنیاداری در حد کمال، بدین نکته می‌اندیشد که عاقبت از مرگ رهایی نخواهد یافت، پس به دنبال راهی برای کمال و جاودانگی است. حرکت او در هفت گنبد از گنبد سیاه و سیاره کیوان که نحس اکبر است و بر روز شنبه فرمانروایی دارد، آغاز می‌شود و به گنبد سپید و سیاره زهره که سعداکبر است و به روز جمعه خاتمه می‌یابد. یعنی همه رنگ‌ها، سیاره‌ها و زمان‌ها



تصویر ۴- بهرام‌گور در حال شکار شیر، بشقاب‌سیمین‌کنده‌کاری شده، سده پنجم میلادی، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۲۳۱

که به اسطوره نمادین یک تمدن و به گفته قوم شناسان انگلوساکسون، به یک قهرمان - فرهنگ بدل می‌شود». (بری، ۱۳۸۵، ۱۱۳)

بهرام‌گور که در پایان دوره اسطوره‌ای ایران ظهور می‌کند، ویژگی ایزدان را به خود می‌گیرد. او بیش از همه، کمالات وره‌ثرغنه (خدای پیروزی) را زنده و به کمال می‌رساند. «او تنها یک شاه زمینی نیست، بلکه قهرمانی به مفهوم سنتی حماسه‌ها، یعنی، اغلب نیمه خدا، یا در هر حال تجلی یک اصل الهی فعال با چهره انسان فانی شکوهمند است. چنان که میرچا الیاده می‌گوید: گرایش اسطوره‌شناسی جهانی عبارت است از تبدیل پیچیدگی چندگانه بازیگران تاریخ به بزرگ نمونه‌های کردار قهرمانانه که به کمک افسانه‌ها جنبه تقدس به خود می‌گیرند. به این ترتیب فردوسی و بعد از آن نظامی، از رهگذر تصویرهای گوناگون خود، از چهره خدای کهن ایرانی که زیر نقاب بهرام‌گور پنهان شده است، پرده بر می‌دارد». (بری، ۱۳۸۵، ۷۷)

بهرام عاشق شکار است. او دشمن جانوران وحشی است، جانوران درنده‌ای که برای قهرمان نشان نیروهای بد و اهریمنی می‌باشند و می‌بایست آن‌ها را از پای در آورد. او این رسم را از تمدن‌های دور آموخته است. گیل‌گمش، گوی گوی شیران را در هم می‌فشرد. انکیدو، یار گیل‌گمش، گوی خشمگین را با گرفتن شاخ‌هایش هلاک می‌سازد. نبرد او با حیوانات درنده، نبرد با نیروهای سرکش و ناشناخته‌ای است که هر یک بر پاره‌ای از روان او فرمان می‌رانند. این نبرد آزمون خودسازی است که به کمال دست می‌یابد.

«نخستین آزمون بهرام در رویایی با دنیای درون برخوردار او با گورخری است که همچون یک راه‌یاب روانی دلیل راه او می‌شود. غار که هم دایره‌وار است و هم تاریک و راز آمیز نمادی است شناخته شده از قلمرو ناخودآگاهی و

۱- کهن‌ترین حماسه بشری که مربوط به ادبیات سومر می‌باشد.



تصویر ۵- بهرام گور در حال شکار شیر، بشقاب سیمین کنده کاری شده، سده نهم میلادی، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۲۱۸

را شامل می‌شود. بهرام در این مسیر تلاش می‌کند تا خود را از گرداب‌های زمینی نجات دهد و با گذر از هفت حصار به سوی آسمان عروج نماید. این عروج به نوعی معراج حضرت رسول (ص) و همچنین هفت وادی سلوک را در ذهن تداعی می‌کند و جنبه نمادین به خود می‌گیرد. (غلامی‌نژاد، ۱۳۸۶، ۱۳۵)

بهرام در آثار تصویری ایران

شکار از جمله سرگرمی‌های شاهان ساسانی است. این رسم در بین شاهان رواج داشته به طوری که صحنه‌های ثبت شده در ظروف سیمین، حجاری‌ها و دیوارنگاره‌ها گواه بر این موضوع دارد. «آنان نخجیرگاه‌های مشجر و پرچین کشیده‌ای برای خود می‌ساختند و مراسم شکار را درون آن با حضور ملتزمان و رامشگران اجرا می‌کردند. بازنمایی نمادین این مراسم را در نقش برجسته‌های دو دیواره جانبی مغاره بزرگ طاق بستان می‌بینیم». (پاکباز، ۱۳۸۳، ۲۹)

ثبت صحنه‌های شکار دارای پیشینه طولانی است و تاریخ آن را می‌بایست در هنر آشوری و بابلی جست‌وجو کرد. تعدادی از بازنمایی‌های صحنه‌های شکار را می‌توان در ظروف سیمین، ظروف سفالین و نسخ مصور و همچنین قالی‌های ایران مشاهده کرد. بهرام گور از جمله شاهانی است که صحنه‌های شکار زیادی از او به جای مانده است که ریشه در هنر ساسانی دارد. «هنگامی که ثعالی گزارش می‌دهد که منذر ملک حیره، دستور داد تا کارهای نمایان بهرام گور شاهزاده جوان ساسانی که تحت مراقبت وی بود، روی دیوارهای قصر معروف خورنق نقاشی شود تردیدی باقی نمی‌ماند که منذر از شیوه‌های تقلید کرده که در دربار ساسانی او متداول بوده است». (پوپ، ۱۳۷۸، ۶)

بهرام علاقه زیادی به شکار و تیراندازی داشت، به همین دلیل داستان‌های مختلفی در مورد او وجود دارد که دستمایه اصلی بسیاری از هنرمندان آن زمان و دوره‌های دیگر قرار گرفت. «علاقه‌ای که به صحرا و صید داشت، احوال او را با آن چه از اعراب بادیه نقل می‌شد تا حدی مشابه نشان می‌داد. حتی در نقوش بازمانده از عهد ساسانیان ... عشق به زن، شکار و بیابان در وجود او رنگ حیات عربی دارد و او را در حالی که با محبوبه خویش بر شتری سوار است و به شکار گور اشتغال دارد، تصویر کرده‌اند. مهارت او در تیراندازی که همچنان بر پرده‌ها و قالی‌ها نقش می‌شد او را درکار تیراندازی، مثل سواران نیزه‌گذار بیابان‌ها، برقیب نشان می‌داد چنان که در زبان اعراب عهد اسلام هم ظاهر از یادگار روزگاران بسیار دور، تیراندازی بهرام، در چالاک و نیرومندی و نشانه‌زنی زبانزد بود». (زرین کوب، ۱۳۷۴، ۷-۱۴۶)

نقش بهرام بر ظروف سیمین

کهن‌ترین تصویر بهرام گور را روی بشقاب‌های سیمین کنده‌کاری شده سده پنجم و ششم میلادی می‌توان دید. این تصاویر، شاه را همواره سوار بر اسب، از نیم رخ و در حال خیزش نشان می‌دهند که کمانش را تا آخر می‌تاباند و تیر



تصویر ۶- جشن شکار شیر بهرام گور، بشقاب سیمین، سده نهم میلادی، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۲۰۸



تصویر ۷- بهرام گور نشسته در باغ، کاسه نقاشی شده روی لعاب، سده ششم ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۲۷۷

را از بیخ گوش رها می‌کند. (تصویر ۱) بهرام‌گور و سوغلی‌اش آزاده، در حال شکار گوزن عنوان بشقاب سیمین زران‌دود شده‌ای است که در موزه متروپولیتن نیویورک نگه‌داری می‌شود. (تصویر ۱)

این سینی مربوط به سده پنجم یا ششم میلادی است. «سوغلی که مانند نقش‌های هنر مصر فراعنه کوچک ترکشیده شده، تیر به دست فرمانروا می‌دهد که دو شاخ گوزنی نر را از بن می‌برد تا به گوزن ماده تبدیلش کند و دو تیر بر سر گوزنی ماده می‌نشانند تا به گوزن نر تبدیلش کند. مرکبش که شتری آماده باروری است، مانند مرکب خسرو دوم تجسم دیگری از خدا-بهرام است: تجسم مردانگی، چابکی و نیرو در حال تاخت روی دو پا». (بری، ۱۳۸۵، ۱۶۵)

بشقاب سیمین و زران‌دود دیگری با نقش قلم‌زنی شده بهرام‌گور و آزاده در حال شکار گوزن در موزه آرمنی‌تاز شهر سن‌پترزبورگ روسیه نگه‌داری می‌شود که همانند بشقاب متروپولیتن، آزاده کوچک‌تر از بهرام نقش شده است. (تصویر ۲) سینی کنده‌کاری شده دیگری که به دوره ساسانی (سده ششم پس از میلاد) مربوط است، در گالری هنری والتر نگه‌داری می‌شود. (تصویر ۳) در این تصویر «بهرام جام در دست، به همسرش گوش فرا می‌دارد که تاج آراسته به شاخ گاو بهرام - خدا را بر سر دارد. در پای شاه و سوغلی‌اش، سه گراز دیده می‌شود که جلوه دیگری از بهرام است». (همان، ۱۶۴) در صحنه‌های شکار بهرام و آزاده دوره ساسانی پوشاک، فیگور و ترکیب‌بندی افراد، بسیار به همدیگر شبیه می‌باشند. تاج آراسته به هلال ماه (تاج مخصوص بهرام) در این تصاویر قرابت نزدیکی به هم دارند.

«ارکان پوسیده حکومت ساسانی یک باره به دست اعراب مسلمان فرو ریخت. اما فرهنگ کهن ایرانی نه فقط با شکست ساسانیان از میان نرفت بلکه به نیروی معنوی اسلام دوران بالندگی نوینی را آغاز کرد. چنین بود که سنت‌های هنری پیشین در ایران اسلامی ادامه یافتند و نتایج تازه و گوناگونی را پدید آوردند». (پاکباز، ۱۳۸۳، ۴۸) با ورود اسلام و فراگیر شدن فرهنگ آن، همه چیز رنگ و بوی اسلام به خود گرفت. نقش‌ها، چهره‌ها و ترکیب‌بندی‌ها و غیره تحت نفوذ این فرهنگ قرار گرفتند. دیگر از تاج و لباس‌های فاخر پادشاهان خبری نیست. استفاده از ظروف سفالین به جای ظروف گران‌بهای سیمین ساسانی در دوره‌های اسلامی رایج شد.

از سده‌های سوم و چهارم هجری نیز ظروف سیمینی به جا مانده که داستان‌های مربوط به بهرام‌گور بر آن نقش بسته است. شکار شیر توسط بهرام از دیگر موضوعاتی است که در بسیاری از بشقاب‌های این دوره و عصر ساسانی دیده می‌شود.

بهرام به هنگام آغاز هر فصل به شکار شیر نیز می‌پردازد. در شاهنامه حکایات ویژه‌ای در این باره آمده است. از جمله در شکارگاهی شیری قوی برابر بهرام آمد و بر دو پا ایستاد. خواست که دو دست بر سر اسب او زند. بهرام شمشیر کشید



تصویر ۸- بهرام‌گور و آزاده، آزاده در حال شکار، سفالینه دوره سلجوقی، کاشان، سده ششم ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۶۷۲



تصویر ۹- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار، سفالینه دوره سلجوقی، کاشان یاری، ماخذ: موزه هنرهای اسلامی برلین



تصویر ۱۰- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار، کاشی سلجوقی، سده ششم ه.ق، ماخذ: بری، ۱۳۸۵، ۱۶۷



تصویر ۱۲- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار، کاشی‌های دیواری، سده هفتم ه.ق، ماخذ: محمدپناه، ۱۳۸۶، ۸۴



تصویر ۱۱- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار، سفالینه دوره سلجوقی، سده ششم ه.ق، ماخذ: محمدپناه، ۱۳۸۶، ۸۰



تصویر ۱۳- بهرام‌گور و آزاده، بهرام در حال شکار، لوح گچی، شهری، ماخذ: موزه هنرهای زیبای بوستون

چه به صورت موجز و خلاصه شده و چه به گونه نمادین و رمزی، قرار گرفتند و منظره هم مرکب از درخت و نقشمایه‌های منقوش ثانویه بود. (پوپ، ۱۳۸۷، ۵۵)

در بسیاری از پیکره‌ها، هاله‌ای دور سر وجود دارد، سرها بزرگ‌تر از بدن هستند و بر بازوها اغلب بازوبندی به چشم می‌خورد که از مهم‌ترین ویژگی‌های نقاشی دوره سلجوقی است.

موضوع مورد استفاده سفالینه نگاران دوره سلجوقی، داستان‌های متداول در ادبیات فارسی است. نحوه بازنمایی صحنه‌ها و شیوه نقاشی روی سفالینه با مصورسازی صفحات کتاب شباهت دارد. از جمله داستان‌هایی که بسیار مورد استفاده سفالینه نگاران قرار گرفته، داستان بهرام‌گور و آزاده در حال شکار می‌باشد. این داستان با ظرافت خاصی بر روی سفالینه‌های دوره سلجوقی مشاهده می‌شود. بهرام در این صحنه‌ها جوانی است سوار بر شتر به همراه آزاده و در حال رها کردن تیر از کمان. طراحی چهره و اندام او در اغلب سفالینه‌ها به یکدیگر شبیه‌اند.

در بیش‌تر سفالینه‌ها اطراف سر او به رسم دوره

و او را از سر تا میانه به دو نیم کرد. شیر دیگری را به ضرب شمشیر سر از تن جدا ساخت. بشقابی سیمین در موزه بریتانیا این داستان را به خوبی نشان می‌دهد. (تصویر ۴) او بی‌اعتنا به تیر و کمان، شیرها را یکی پس از دیگری با شمشیر می‌زند. همانند این صحنه بر روی ظرفی دیگری نمایش داده شده که احتمالاً به سده سوم یا چهارم هجری تعلق دارد. (تصویر ۵)

«در حالی که شیری تازه فرو کوفته شده، شیر دیگری به پا می‌خیزد و به صورت اسب چنگ می‌زند، اما سرش، آن هم نه با شمشیر بلکه با زوبین، جدا می‌شود. جزئیات به پا خاستن شیر و چنگ زدن به صورت اسب نسبتاً غیرعادی است.» (پوپ، ۱۳۸۷، ۹۰۷) تاج بهرام در این جا متفاوت با آثار دیگر است. این تاج پرداز به تاج خسرو شبیه است.

در تصویر نقش‌شده بر بشقابی دیگر، صحنه جشن شکار شیر توسط بهرام، نمایش داده شده است. (تصویر ۶) در این صحنه بهرام بر تختی نشسته است. اطراف او چهار بانو در حال رامشگری و دو شیر پشت به هم، دیده می‌شوند. این صحنه یادآور تلاش بهرام برای کسب تاج پادشاهی است. او مجبور بود حق خود را با برداشتن تاج از میان دو شیر گرسنه، بازپس گیرد. در این جا نیز بهرام‌گور، تاج خسرو را بر سر دارد که عمومیت داشته و آراسته به بال‌ها و هلالی در بالای آن است. چهره بهرام در این تصویر شباهت نزدیکی به تصویر قیل دارد. همان‌طور که اشاره شد او در هر دو تصویر تاجی شبیه تاج خسرو دارد و لباسی متفاوت با تصاویر قبلی بر تن. در این دو صحنه تاثیر هنر چینی در چین و چروک لباس بهرام به وضوح دیده می‌شود.

نقش بهرام بر ظروف سفالین

در دوره سلجوقیان سفال‌گری به عنوان یک هنر به اوج شکوفایی می‌رسد. سفالینه‌های کاشان در این دوره بسیار چشمگیراند. «در سفالینه‌های کاشان (که بعدها کاشی آن شهرت یافت) پیکره‌های انسانی اغلب در برابر یک منظره،



تصویر ۱۶- شکار بهرام‌گور و آزاده، شاهنامه فردوسی، میانه سده نهم ه.ق، ماخذ: www.shahnama.caret.cam.ac.uk

و موزه متروپولیتین نیویورک بیان گر ویژگی‌های نقاشی دوره سلجوقی است. (تصویر ۱۰ و ۱۱)

در هردو، بهرام و آزاده سوار بر شتر در کنار درختان تصویر شده‌اند. «در حالی که، سوگلی اش با نواختن ساز در وصف قهرمانی‌هایش می‌خواند، شاه سوار بر شتری با گردن خمیده، دستار به سر ولی همواره با هاله‌ای از فریا روشنایی شکوه شاهان ایران باستان، ساچمه‌ای گلی به سوی گوزنی پرتاب می‌کند تا گوشش را با پای پسین بخاراند تا بتواند با یک تیر سم جانور را به سرش بدوزد». (بری، ۱۳۸۵، ۱۶۷)

همچنین کاشی دیواری با نقش برجسته بهرام و آزاده، تزئین شده با نقاشی رولعابی به شیوه مینایی که به دوره ایلخانی تعلق دارد در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگه‌داری می‌شود. این کاشی دیواری از لحاظ ترکیب بندی و جزئیات داستان به سفالینه‌های دوره سلجوقی بسیار شباهت دارد. (تصویر ۱۲)

بر لوح گچی کشف شده در شهر ری نیز این داستان ثبت شده است. جزئیات نقش شده مربوط به این صحنه، در بشقاب‌های سیمین و سفالین و همچنین نگاره‌های دوره اسلامی، بر این لوح گچی به دقت اجرا شده است. نوع پوشاک بهرام و آزاده موید آن است که به دوره اسلامی تعلق دارد. جهت چهره در هر دو اندام وارده، تصویر را همچون یک صحنه عکاسی می‌نمایاند. (تصویر ۱۳)

تصویر بهرام در نگارگری

از ویژگی‌های مهم نگارگری ایران، همبستگی با ادبیات فارسی است. هنرمند از مضامین متنوع ادبی مایه می‌گیرد و صحنه‌ها و داستان‌ها را به تصویر می‌کشد. اوسخن و منظور شاعر یا نویسنده را با زبان خط و رنگ ارائه می‌کند. در نگارگری نیز همچون ظروف سیمین و سفالین شاهد ثبت داستان‌های بهرام‌گور هستیم. داستان‌های زیبای او در شاهنامه و هفت پیکر مورد توجه نگارگران قرار گرفته است و شاهد نگاره‌های متعددی از او در نسخ خطی دوره‌های مختلف هستیم. از جمله قدیمی‌ترین نسخ خطی که داستان‌های بهرام‌گور در آن مصور شده، شاهنامه کتابخانه لنینگراد است. این شاهنامه حدود سال ۷۳۳ ه.ق. در شیراز مصور



تصویر ۱۴- بهرام‌گور در حال شکار و افتادن آزاده به زیر، شاهنامه فردوسی، ۷۳۳ ه.ق، ماخذ: www.shahnama.caret.cam.ac.uk



تصویر ۱۵- بهرام در حال شکار و افتادن آزاده، شاهنامه فردوسی، شیراز، سده هشتم ه.ق، ماخذ: موزه توپقاپی استانبول

ساسانی، هاله‌ای وجود دارد و به همراه دستار و موهای بلند تصویر شده است. لباس او در اغلب صحنه‌ها دارای نقوش هندسی است. جزئیات چهره او همانند چهره‌های دیگر افراد در نقاشی‌های این دوره می‌باشد. (چهره آرمانی دوره سلجوقی) بهرام‌گور در بعضی سفالینه‌های سده ششم هجری، سر آذینی ویژه که طرح ساده‌ای از تاج ساسانی است، بر سر دارد. برای مثال بر کاسه‌ای مینایی، او را با دستاری آراسته به حاشیه‌های بال دار، در باغی نشسته با هفت شاهدخت، گرم گفت‌وگو مشاهده می‌کنیم. (تصویر ۷) تاثیر هنر چینی در چهره‌پردازی و نقش‌های لباس به خوبی محسوس است. هاله اطراف سر بهرام و هفت شاهدخت برگرفته از هنر بودایی می‌باشد. در مقایسه نقش‌های روی سفالینه و ظروف سیمین، آن چه قابل توجه به نظر می‌رسد تفاوت در ترکیب بندی است.

همچنین جهت صحنه شکار و نیز نحوه نشستن آزاده بین آن‌ها متفاوت است. او در سفالینه‌های دوره سلجوقی پشت به بهرام و در حال نواختن چنگ دیده می‌شود اما در ظروف سیمین دوره ساسانی این گونه نیست. (تصاویر ۸ و ۹) سفالینه‌های نگه‌داری شده در مجموعه صدرالدین آقاخان، ژنو



تصویر ۱۷- بهرام‌گور و کلبه روستایی، شاهنامه وزیر قوام‌الدین حسن، شیراز، سده هشتم ه.ق، ماخذ: گری، ۱۳۸۵، ۱۷۳



تصویر ۱۸- بهرام‌گور و کلبه روستایی، شاهنامه بزرگ یا ایلیانی (دموت، سابق) تبریز، ۷۳۹ ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۸۳۹

بهرام‌گور در کلبه روستایی عنوان نگاره‌ای است که به شاهنامه وزیر قوام‌الدین حسن تعلق دارد. (تصویر ۱۷) این شاهنامه در شیراز و سده هشتم مصور شده است. اغلب نگاره‌های این شاهنامه دارای زمینه یک‌دست قرمز، زرد، اکر و یا طلایی می‌باشند و سبکی را نشان می‌دهند که در ایران پیش از زمان مغول وجود داشته و بر روی ظروف میناکاری، کاشی‌کاری و ظروف دیگر در سده ششم ترسیم می‌شده است. قلم‌گیری در تمامی آن‌ها به صورت خطی پرنرنگ و زمینه با درخت یا شاخه پر شده است. حتی در حالاتی هم که با موضوع تناسب نداشته، باز به کار رفته است. (گری، ۱۳۸۵، ۵۶)

داستان بهرام‌گور در کلبه روستایی در شاهنامه بزرگ یا ایلیانی (دموت سابق) (۷۳۹ ه.ق) نیز مصور شده است (تصویر ۱۸) اما با حال و هوای بسیار متفاوت. ترکیب‌بندی نگاره نسخه شاهنامه بزرگ بسیار متفاوت از نگاره نسخه شیراز است و نفوذ هنر خاور دور در آن نمایان می‌باشد. دور سر بهرام‌گور هاله‌ای از نور دیده می‌شود و لباس بهرام، دهقان و پیرزن نسبت به نگاره شیراز فاخرتر می‌باشد.

شده است.

سترگ‌نمایی در نگاره‌های این شاهنامه دیده می‌شود که قرابت نزدیکی به دیواره نگاره دارد. «پیکرهای درشت-اغلب به بلندی تصویر- بر زمینه‌ای سرخ یا زرد ملایم که شبیه به رنگ مایه پس زمینه دیواره نگاره‌هاست، ترسیم شده‌اند. گاهی این پس زمینه اصلاً کاملاً با نقوش زینتی پر می‌شود. ترکیب‌بندی اغلب هنوز کتیبه‌وار و قاب‌بندی شده است، اما در مقایسه با نقاشی سده‌های ششم و هفتم، تحولی در ترکیب‌بندی می‌توان تشخیص داد، تقارن ساختمانی ارجحیت دارد و پیکرها با درختی یا شاخه‌ای از یکدیگر جدا شده‌اند.» (اشرفی، ۱۳۶۷، ۲۹)

شکار بهرام‌گور و آزاده، عنوان نگاره‌ای از شاهنامه شیراز ۷۳۳ ه.ق. است. (تصویر ۱۴) به نقل شاهنامه، بهرام سوار بر شتر همراه با آزاده مشغول شکار بود که در شکارگاه با دو آهوی نر و ماده برخورد می‌کند. از آزاده پرسید کدام را بزخم؟ آزاده از او خواست آهوی ماده‌ای را نر و آهوی نری را ماده کند و پای آهو را به گوشش بدوزد. او با تیری، هر دو شاخ آهوی نر را جدا کرد و تیر دیگری از همان نوع بر فرق سر آهوی ماده نشاند. بعد با کمان گروه گوش آهوی دیگری را خراشید. آهوی زخمی پای خود را بالا برد تا گوشش را بخاراند. بهرام با تیری، پا و گوش آهو را به هم دوخت. پس از روی غرور به آزاده نگریست. چشمان آزاده پر از اشک شد و کار بهرام را نشانه نامردی دانست و گفت: این هنر نیست، دیوانگی است. بهرام خشمگین شد و او را از بالای شتر به زمین افکند و زیر پای شتر هلاک کرد.

اجراهای مختلف از طرح‌های داستانی مشابه، گواه بر دگرگونی روحیات و سلیقه‌ها در دوره‌های مختلف است. هنرمندان اغلب، آن لحظه از داستان را انتخاب می‌کنند که بهرام معشوق خود را در زیر پای شتر لگدگوب می‌کند (تصویر ۱۵) حال آن که در دوره‌های بعد همان قطعه همچون یک مجلس شکار پر لطافت که آزاده بر پشت بهرام بر شتر نشست، (تصویر ۱۶) نشان داده می‌شود. (اشرفی، ۱۳۶۷، ۶۷)



تصویر ۲۰- نبرد بهرام گور با اژدها، شاهنامه فردوسی، مکتب شیراز، سده هشتم ه.ق، ماخذ: www.shahnama.caret.cam.ac.uk



تصویر ۱۹- بهرام گور در تالار هفت پیکر، گلچین اسکندر سلطان، شیراز، ۱۸۳ ه.ق، ماخذ: گری، ۱۳۸۵، ۱۸۳

شاهزاده‌ها را بر گنبد می‌بیند. رنگ‌ها در این نگاره بسیار لطیف و عمق میدان با مهارت اجرا شده است. نبرد بهرام گور با اژدها معروف‌ترین داستان بهرام است که هم در شاهنامه فردوسی و هم در هفت پیکر نظامی به آن پرداخته شده است. نگاره‌های بسیاری با این موضوع در دوره‌های مختلف هنری ایران تصویرسازی شده است. در شاهنامه کتابخانه لنینگرا، اژدها کشی بهرام دیده می‌شود. (تصویر ۲۰) در این نگاره که در مکتب شیراز سده هشتم ه.ق مصور شده، بهرام با لباس رزم مخصوص مغولان در حال نبرد است اما در چهره او تأثیرات مغولی دیده نمی‌شود.

چهره، ریش مشکی انبوه و ابروان کاملاً مشخص او از ویژگی‌های قدیمی ایران است که در نقاشی آسیای مرکزی بعد از ساسانیان دیده می‌شود. بین اژدها و بهرام گور، درختی جدایی‌انداخته است. اژدهای این نگاره دارای دوپا و دم‌مار مانند می‌باشد و دور گردن او را موهای بلندی فرا گرفته است. انسان بلعیده شده در شکم اژدها دیده می‌شود. اژدها بسیار بزرگ‌تر از قهرمان و اسبش است که نشان از قدرتمندی و ابهت جانور دارد. اژدهای دوپا در تعدادی از شاهنامه‌های مصور سده هشتم دیده می‌شود.

یکی از زیباترین نگاره‌های نبرد بهرام گور با اژدها اثر کمال الدین بهزاد مربوط به نسخه مصور خمسه نظامی ۸۹۹ ه.ق مکتب هرات است. (تصویر ۲۱) «این نقاشی حالت تخیلی دارد، بهرام با تیر و کمان از دور به اژدها حمله می‌کند

رنگ آمیزی در نگاره شاهنامه دموت نیرومندتر و پرمایه‌تر می‌باشد و به فضا، گیرایی خاصی افزوده است. حال آن که در نگاره شاهنامه شیراز از تنوع، جلا و درخشندگی رنگ خبری نیست و ترکیب بندی و رنگ آمیزی نگاره‌های شاهنامه شیراز به پختگی شاهنامه دموت نمی‌رسند.

نگاره بهرام گور در قصر هفت گنبد یکی از مشهورترین نگاره‌هایی است که داستان آن در هفت پیکر نظامی آمده است. این نگاره به گلچین اسکندر سلطان تعلق دارد که در شیراز حدود سال ۸۱۳ ه.ق مصور شده و هم اکنون در بنیاد گلبنگیان لیسبون نگه داری می‌شود. (تصویر ۱۹)

«با شکستن در و ورود به تالار درون خانه، بهرام گور خود را مقابل با هفت شاهزاده خانم زیبا به حد دلخواهش می‌بیند که هر یک از آن‌ها سراپا ملبس به رنگ جامه‌ای متفاوت است. بهرام گور از انتخاب امتناع می‌کند، او خواهان هر هفت خواهر است. هر فرزند ناپروورده هدیه را در انواع رنگ‌هایش می‌خواهد؛ پس فرمان می‌دهد برای هر کدام از شاهزاده خانم‌ها کاخی به نام گنبد یا پیکر ساخته شود، در یکی از رنگ‌های هفتگانه و با نشانه سعد، یکی از هفت سیارگان. آنگاه بهرام بساط عیش و شادمانی خود را بر آن قرار می‌دهد که هر روز هفته را در کنار یکی از آن خوب رویان بگذراند.» (کورکیان، ۱۳۷۷، ۷۷-۱۷۶)

بهرام گور در این نگاره جوانی است که هنوز در حیرت به سر می‌برد و تازه از راز معمار نگون بخت یعنی سنمار (معمار کاخ) با خبر شده است او در حجره را می‌گشاید و



تصویر ۲۲- نبرد بهرام گور با اژدها، خمسه نظامی، اثر محمد زمان، مکتب اصفهان، سده یازدهم ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۹۲۵



تصویر ۲۱- نبرد بهرام گور با اژدها، اثر بهزاد، خمسه نظامی، مکتب هرات، سده نهم ه.ق، ماخذ: گری، ۱۳۸۵، ۲۰۴



تصویر ۲۴- بهرام گور در حال شکار آهو، قالیچه، سده سیزدهم ه.ق، ماخذ: شایسته فر، ۱۳۸۱، ۸۰



تصویر ۲۳- گلیم با ترنج و صحنه های اساطیری ایران، سده یازدهم ه.ق، ماخذ: فریه، ۱۳۷۴، ۱۳۱

جدول ۲- پراکندگی تعداد آثار بر اساس موضوع (باتوجه به نمونه های مشاهده شده در کتاب های مختلف)

نوع اثر / موضوع	ظروف سیمین	ظروف سفالین	نگارگری	فرش
شکار شیر	۴	مشاهده نشد	۱۴	مشاهده نشد
بهرام گور در کلبه روستایی	مشاهده نشد	مشاهده نشد	۲	مشاهده نشد
نبرد با اژدها	مشاهده نشد	مشاهده نشد	۲۷	۱

جدول ۱- تفاوت های دو داستان بهرام در شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی

موضوع	شاهنامه	هفت پیکر
نام پیکر:	آزاده	فتنه
پایان داستان	بهرام او را زیر پای شتر لگد کوب می کند و می کشد.	بهرام او را به سرهنگ دربار می دهد تا او کنیز را بکشد اما او کنیز را در قصر خود نگه می دارد.
تعداد نبرد	دو بار با اژدها می جنگد.	یک بار و آن هم ناخواسته می جنگد.
بریدن شمشیر اژدها	جوانی را از درون شکم اژدها بیرون می آورد.	بچه گوری را از شکم اژدها نجات می دهد.

جدول ۳- ویژگی های آثار تصویری

تروف سیمین ساسانی	چهره و سن بهرام	پوشاک	ترکیب بندی
جوان و دارای محاسن	دارای تاج و لباس شاهی	ترکیب بندی در همه این آثار شبیه به هم می باشد. پیکره آزاده کوچک تر از بهرام نقش شده است.	
میان سال و دارای هاله ای دور سر	دارای تاج پرداز	در ترکیب بندی و جزئیات تصویر از ظروف ساسانی متمایز اند.	
جوان، بدون محاسن و دارای هاله ای دور سر	دارای دستار و پوشاک دوره اسلامی	ترکیب بندی در همه این آثار شبیه به هم می باشد. بر خلاف نمونه های ساسانی، آزاده پشت به بهرام سوار بر شتر می باشد.	
درنگاره های مختلف متفاوت می باشد.	در نمونه های اولیه دارای کلاه مخصوص با لباس فاخر	ترکیب بندی ها با توجه به تنوع زیاد آثار، متفاوت است.	
در آثار مختلف متفاوت می باشد.	در آثار مختلف متفاوت می باشد	ترکیب بندی نبرد بهرام با اژدها با دوره های قبل متفاوت است. بهرام و کنیزش به طور جداگانه و سوار بر اسب می باشند، برخلاف داستان که مرکب شان شتر می باشد.	

خودنمایی می کند. پوشش او از لباس های دوره تیموری تبعیت می کند و لباس ویژه شاهی او بر تن دیده نمی شود.

اژدها که بر درختی خشک تکیه کرده، مانند سوسماری بزرگ می نماید که از درون غار در حال بیرون آمدن و هجوم به سوی بهرام است. یکی دیگر از نگاره های نبرد بهرام گور با اژدها، متعلق به محمد زمان است که در سده یازدهم ه.ق. مصور شده است. (تصویر ۲۲)

در این نگاره علائم مشخصه آثار او همچون ابرهای پنبه ای، درخت شکسته، پوسته ترک خورده درختان تنومند و تپه های سنگی به وضوح دیده می شود. (پاکبان، ۱۳۸۳، ۱۴۱) در تصویر مورد اشاره تاثیرات هنر ایتالیا، گرایش به عمق میدان و حجم به خوبی مشاهده می شود. نوع پوشاک

و اسبش نیز از روی ترس شبیه می کشد و اژدها که به حالت جهش بر روی درختی تکیه کرده، نبرد را مشکل تر نموده است. رنگ ها و رنگ سایه های متنوع و آرام صخره ها طبیعی به نظر می آیند.

به کارگیری رنگ خاکستری گرم و پخته به عنوان زمینه و قراردادن رنگ های متنوع و متباین و خالص به طرزی موزون و هماهنگ روی زمینه، از ویژگی های آثار بهزاد است. (کیوانی، ۱۳۸۲، ۱۰۵) در بالای زمینه قاب ها گورخری به چشم می خورد. بهرام در تعقیب همین گور به درون غار مأمّن اژدها وارد می شود و حال برای نجات بچه گور با اژدها به نبرد برمی خیزد. بهرام در این نگاره همچون جوانی دیده می شود که با پوشش سبزرنگ سوار بر اسب قرمز

بهرام احتمالاً متأثر از نقاشی گورکانی است و دستار و لباس او از نگاره‌های دیگر متمایز است. اژدهای این نگاره برگرفته از نقاشی‌های اروپای بوده و شبیه تمساحی بزرگ تصویر شده است.

تصویر بهرام در فرش و گلیم

داستان نبرد بهرام‌گور با اژدها در نقش‌های گلیم نیز قابل مشاهده است. در گلیمی متعلق به سده یازدهم ه.ق این داستان با صحنه پردازی بسیار زیبا تصویر شده است. در این جا از لباس‌های فاخر بهرام خبری نیست، بلکه هنرمند او را همچون جوانان هم عصر خود و با لباس رایج آن دوره به تصویر کشیده است. این ترکیب بندی در دوره قاجار (در حالی که جوانی بر اسب سوار است و اژدها به دور اسب

چرخیده) بسیار رایج بود. (تصویر ۲۳)
در قالیچه‌ای از مجموعه موزه فرش ایران، شکار آهو توسط بهرام تصویر شده است. در این جا بهرام سوار بر اسب در حال شکار می‌باشد. (بر خلاف تصاویر قبلی که بهرام و کنیزش بر شتر سوارند) کنیز او نیز که سوار بر اسب می‌باشد از دور، هنرنامه‌ی بهرام را تماشا می‌کند.

بالای تصویر، کوه و تپه‌هایی دیده می‌شود که با درختان و گل‌های زیبا آذین شده‌اند. در پایین مرغزاری پر از آهوان در حال فرار مشاهده می‌شود. نکته جالب این است که لباس و تاج و چهره بهرام‌گور مشابه پادشاهان قاجار تصویر شده اما داستان به گذشته بر می‌گردد و صحنه پردازی کاملاً قاجاری است. (تصویر ۲۴)

نتیجه

بهرام‌گور، پادشاهی است که در تاریخ با اسطوره پیوند خورده و افسانه‌های زیادی درباره او در بین ایرانیان رواج دارد. شجاعت، جنگاوری، مهارت در تیراندازی و شکار بیش از همه بهرام را زبازد عام و خاص کرده است به گونه‌ای که اغلب تصاویر بررسی شده در این مقاله به این ویژگی‌ها اشاره دارند. داستان‌های زیبایی او به دلیل جذابیت، بسیار مورد توجه هنرمندان قرار دارد. بهرام و سوگلی‌اش در حال شکار آهو، از معروف‌ترین داستان‌های شاهنامه و هفت پیکر می‌باشد که در دوره ساسانی بر روی ظروف سیمین نقش شده است. در این ظروف بهرام با لباس و تاج شاهی و زیورآلات دیده می‌شود اما در دوره اسلامی این داستان با تفاوت‌های ظاهری قابل توجهی نقش شده است. در نگاره‌های ۱۴ و ۱۵ تفاوت این داستان در شاهنامه و هفت پیکر دیده می‌شود. در این دو نگاره بهرام، آزاده را از روی شتر بر زمین انداخته است. اما در تصاویر دیگر، صحنه مشترک شاهنامه و هفت پیکر (شکار آهو) تصویر شده است. هنرمندان در دوره ساسانی بیش تر به وجه شاهی بهرام توجه داشته و سعی نموده‌اند او را از نظر اندازه، موقعیت، پوشاک و غیره از مردم عادی متمایز نشان دهند اما در دوره‌های بعد هنرمندان بیش تر به جنبه قهرمانی او توجه نموده‌اند. در این آثار تصاویر دستار جای تاج را گرفته و بهرام لباس رایج دوره اسلامی به تن دارد، نقوش خاص این دوره نیز در تصاویر دیده می‌شود. داستان‌های بهرام‌گور بیش از همه در هنر نگارگری قابل بررسی است. داستان زیبای نبرد بهرام‌گور با اژدها بسیار مورد توجه نگارگران بوده و با زیبایی تمام این صحنه را به تصویر کشیده‌اند. تفاوت داستان اژدهاکشی بهرام در شاهنامه و هفت پیکر در سه نگاره ۲۰، ۲۱ و ۲۲ به وضوح مشاهده می‌شود. نظامی می‌گوید بهرام در پی گورخری، در دهانه غاری ناخواسته با اژدها درگیر می‌شود. در نگاره ۲۱ و ۲۲ حضور گورخر و غار دلیل بر پای بندی هنرمند به شعر نظامی است. در نگاره ۲۰ نیز با نشان دادن مردی در درون شکم اژدها، تفاوت داستان در دو کتاب دیده می‌شود. تغییرات ساختاری مکتب‌های مختلف نقاشی ایران و نیز دگرگونی روحیات و سلیقه‌های هنرمندان، در نگاره‌های مربوط به بهرام‌گور مشاهده می‌شود. جزئیات آثار تصویری مربوط به بهرام در هر دوره‌ای دستخوش تاثیرات آن دوره است به طوری که با دقت در چهره و پوشاک بهرام و نقش و نگار صحنه‌ها، به این مهم دست می‌یابیم.

منابع و ماخذ

اشرفی، م.م، هم‌گامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، نشر نگاه، تهران، ۱۳۶۷.
بری، مایکل، تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.



- بلعمی، ابوعلی، تاریخ بلعمی، تصحیح محمد تقی بهار به کوشش محمد پروین گنابادی، نشر زوار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵.
- بلعمی، ابوعلی، گزیده تاریخ بلعمی، شرح رضا انزابی نژاد، نشر امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸.
- پاکباز، روئین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، نشر زرین و سیمین، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳.
- پوپ، آرتور اپهام، سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، تهران، ۱۳۷۸.
- پوپ، آرتور اپهام، سیری در هنر ایران، زیر نظر سیروس پرهام، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- خلف تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع، ج اول به اهتمام محمد معین، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، پیرگنجه در جست و جوی ناکجاآباد، نشر سخن، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
- شایسته فر، مهنان، بررسی اجمالی خوشنویسی بر روی قالی، کتاب ماه هنر، شماره ۵۴-۵۳، بهمن و اسفند، ۱۳۸۱.
- شهیدی مازندرانی، حسین، فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جایها)، نشر بلخ، تهران، ۱۳۷۷.
- عوفی، سدیدالدین محمد، گزیده جوامع الحکایات و لوازم الروایات، نشر انقلاب اسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- غلامی نژاد، محمدعلی، تقوی، محمد، براتی، محمدرضا، بررسی تطبیقی شخصیت بهرام در شاهنامه و هفت پیکر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۵۸، پاییز ۱۳۸۶.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، نشر بدیهه، تهران، ۱۳۸۷.
- فریه، ر.دلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۴.
- قلی زاده، خسرو، فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی، نشر پارسه، تهران، ۱۳۸۷.
- کورکیان، ام.سیکر. ژ.پ، باغ‌های خیال، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۷.
- کیوانی، شادان، تحول منظره در نگارگری ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۶۴-۶۳، آذر و دی، ۱۳۸۲.
- گری، بازیل، نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه، نشر دنیای نو، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- محمد پناه، بهنام، کهن دیار، ج اول، نشر سبزان، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۶.
- محمد پناه، بهنام، کهن دیار، ج دوم، نشر سبزان، تهران، ۱۳۸۶.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ششم، نشر امیرکبیر، چاپ بیست و سوم، تهران، ۱۳۸۵.
- نظامی گنجه ای، هفت پیکر، تصحیح و مقدمه بهروز ثروتیان، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۷.
- نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.
- هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، نشر اساطیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، نشر سروش، تهران، ۱۳۶۹.
- یاوری، حورا، روانکاوی و ادبیات، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۴.

www.shahnama.caret.cam.ac.uk